

بررسی سنت اجتماعی مداوله و اهداف آن در قرآن کریم (با تأکید بر آیه ۱۴۰ و ۱۴۱ آل عمران)

نیکو دیالمه*

چکیده

تقویت باور قانونمندی تاریخ از طریق دستیابی به سنت‌های الهی و توجه به قطعیت و تغییرناپذیری آنها از مهم‌ترین اهداف قرآن کریم در دعوت آدمیان به سیر در تاریخ است. تعبیر «مداوله» به مفهوم گردش روزگار، یکی از همین قوانین الهی است که آیات ۱۴۰ و ۱۴۱ سوره آل عمران به صراحت از آن سخن گفته است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد درک مفهوم و چگونگی تحقق این قانون، ضمن معنادار ساختن بسیاری از تحولات و رویدادهای اجتماعی در حیات انسان اعم از شکست یا پیروزی، دریچه‌ای نو بر اهداف حکیمانه الهی در جریان تربیت انسان خواهد گشود. جداسازی، پاکسازی، الگوسازی و نابودسازی در رویارویی جریان حق و باطل از جمله اهداف تربیتی این سنت تکوینی است که توجه به آن می‌تواند مدخل ورودی مطالعات علوم اجتماعی و انسانی با صبغه اسلامی باشد، به گونه‌ای که مدل‌سازی رفتار انسانی به هدف کنترل و پیش‌بینی در آینده را ممکن سازد.

واژگان کلیدی

آیه ۱۴۰ و ۱۴۱ آل عمران، سنت‌های الهی، سنت‌های اجتماعی، سنت مداوله.

dr.dialameh@isuw.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۶

*. استادیار دانشگاه امام صادق (ع).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

طرح مسئله

سنت‌های الهی، از بارزترین مظاهر اثبات وجود خدا و تصرف حکیمانه او در عالم هستی است. واژه سنت در قرآن کریم به‌حق تعالی نسبت داده شده و به مفهوم آن بخش از تدبیر و سازمان‌دهی خدای متعال در اجتماع انسانی است که استمرار داشته و غیرقابل تغییر و دگرگونی است. به تعبیر طبرسی، فعلی که یک یا دو بار انجام گیرد، سنت خدا و پیامبر گفته نمی‌شود؛ زیرا سنت، روش مستمر و جاریه است. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۰ / ۱۷۹) بنابراین سنت الله «فعل همیشگی و پیوسته خدای تبارک و تعالی در برخورد با آدمیان و امت‌ها است» که می‌توان از آن به‌عنوان قوانین الهی حاکم بر اجتماع یاد کرد.

قرآن کریم به‌عنوان یک اعجاز علمی^۱ در تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه خود از این قوانین پرده برداشته و گستره بسیاری از این قوانین از جمله هدایت، ضلالت، ابتلا، امهال، استدراج، مداوله، تعمیم، مکر، تزکیه، استبدال و توفیق را آشکار ساخته است.

تبیین این سنت‌ها با هدف قرآن که کتاب هدایت و نجات‌بخش انسان‌ها از ظلمت‌ها به‌سوی نور است پیوندی استوار و تنگاتنگ دارد؛ چرا که توجه به این قوانین به‌صورت مستقیم در تغییر و دگرگون‌سازی عملی جامعه و فرد تأثیرگذارند. (صدر، ۱۳۶۹: ۸۲) قرآن به تأمل در این قواعد ثابت دعوت می‌کند تا این امکان را به انسان بدهد که از خلال تفکر در آن و مقایسه شرایط گذشته و فعلی به رفتار مطلوب انسانی که مورد نظر پروردگار بوده دست یابد، به خصوص آنکه روی سخن در بسیاری از این آیات با جامعه و نه افراد است.^۲

فرآیند اثبات و استخراج سنت‌های حاکم بر تاریخ از آموزه‌های خطاناپذیر وحی و تبیین مفهوم و چگونگی تحقق هر یک از آنها می‌تواند راه‌گشای مسیری باشد که علم توانایی ایجاد آن را ندارد. زمانی انسان ابتدایی حوادث و رویدادهای تاریخ را در قالب یک توده متراکم بر پایه تصادف و اتفاق تفسیر می‌کرد و گاهی برخی آن را بر اساس قضا و قدر و تسلیم‌پذیری در برابر اوامر خدای

۱. سبب کاربرد تعبیر اعجاز علمی آن است که همان‌گونه که برخی دانشمندان علوم طبیعی در پرده‌برداری از اعجاز علمی قرآن در ساحت عالم طبیعت نقش مهمی را ایفا کرده‌اند، ضرورت دارد اندیشمندان و متفکران اسلامی نیز با دقت در مفاهیم آیات الهی از سنت‌های اجتماعی پرده برداشته و ضوابط آن را آشکار سازند. بدون شک، این امر در کشف مبانی برخی علوم انسانی و دستیابی به نظریه‌های جهان‌شمول در این حیطه تأثیرگذار خواهد بود.

۲. مگر در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده است خدا زیر زبرشان کرد و کافران را نظایر (همین کیفرها در پیش) است. (محمد / ۱۰)

متعال مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند اما قرآن کریم خرد و اندیشه بشر را در این جهت بیدار کرده و کاوش و اندیشیدن درباره حوادث و رویدادهای تاریخ را به‌منظور تحصیل یک نظریه مبتنی بر استقراء و با هدف استخراج و کشف قوانین و سنن، مورد تأکید و ترغیب قرار می‌دهد. این امر ضمن معنادار کردن بسیاری از حوادث و رویدادهای اجتماعی در نگرش انسان، کمک می‌کند تا فرد به‌گونه‌ای فعال، کارا و مؤثر به انتخابی درست دست یازد. در این میان یکی از سنت‌ها که علی‌رغم اهمیت بسیار، همواره مورد غفلت قرار گرفته، سنت مداوله یا گردش روزگار است که آیتی از کتاب آسمانی به صراحت و برخی دیگر به تلویح از آن سخن گفته است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به دو سؤال اساسی در این زمینه است:

۱. سنت اجتماعی - تاریخی مداوله یا تداول از منظر وحی به چه معنا است؟
۲. اهداف حکیمانه الهی از تحقق این سنت در مسیر تربیت انسان و جامعه چیست؟

مفهوم و اهمیت شناخت سنت‌های اجتماعی

سنت در لغت عرب به‌معنای روش، سیره و عادت است که می‌تواند خوب یا بد، حسنه یا سیئه باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۷) این واژه به شکل مفرد و جمع ۱۷ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است.^۱

سنه الله در اصطلاح قرآن کریم به مفهوم آن بخش از تدبیر و سازمان‌دهی خدا در ارتباط با امت‌ها است که استمرار داشته و غیرقابل تغییر و دگرگونی است، به‌عبارت‌دیگر روش الهی است که همانند ریزش آسان و پیاپی آب، در اجتماع بشر جاری است؛ خواه از روش‌های لطف و انعام باشد یا از روش‌های قهر و انتقام و در هر صورت از سنخ تکوین و ایجاد است. (محمدی گیلانی، ۱۳۷۵: ۵۳) از این‌رو، اندیشمندان اسلامی آن را سنت‌های اجتماعی یا سنت‌های تاریخی نیز نامیده‌اند. (صدر، ۱۳۶۹: ۱۶۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۴۲۵)

از آنجایی که این سنت‌ها ناظر به چگونگی فعل خدا و معامله او با بندگان است در مرتبه اول

۱. در آیات بسیاری، از قانونمندی جوامع بشری بدون کاربرد مستقیم واژه سنت سخن رفته است، از جمله آیه شریفه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيَّرًا نِعْمَةً أُنْعِمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ این بدان سبب است که خداوند هیچ‌گاه نعمتی بر قومی ارزانی نداشته تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آنچه در خود دارند تغییر دهند و خداوند شنوای دانا است.» (انفال / ۵۳) درحالی‌که آیه شریفه به سنت تغییر و شرایط آن صراحت دارد لفظ سنت در آن نیامده است.

از بارزترین مظاهر اثبات وجود خدا و وجهی از شناخت توحید به شمار می‌روند. از این رو به میزانی که افراد از سنت‌ها آگاهی یابند، معرفت الله که در برخی روایات اساس دین و برترین معارف ذکر شده است،^۱ در سطح جامعه نهادینه می‌گردد. در واقع تعمیق و تقویت باور توحیدی در افراد در ابعادی مرهون آگاهی بیشتر از سنت‌های الهی است. انسانی که با اختیار خود، اما تحت اشراف قوانین الهی، دست به انتخاب می‌زند، همواره نگاهش از اسباب متوجه مسبب الاسباب می‌گردد و این همان حقیقت توحید است.

در مرتبه دوم ذکر سنت‌ها در آیات قرآن، به منظور هشدار و رهنمودهایی است تا مخاطبان به قانونمندی زندگی اجتماعی نیز همانند قانونمندی جهان طبیعت معتقد شده و با رعایت اصول و ضوابط این قوانین آگاهانه عمل کنند؛ زیرا تقویت باور قانونمندی جوامع بشری، منجر به شناخت بهتر انسان از موقعیت خود گردیده و زمینه انتخاب‌های صحیح را برای او محقق می‌سازد، همان‌گونه که شناخت قوانین طبیعی زمینه بهره‌وری بیشتر انسان از طبیعت را مهیا می‌سازد. در مرتبه سوم، کشف قوانین الهی حاکم بر زندگی انسان‌ها یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که به بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی در حیات انسان اعم از سعادت یا هلاکت، شکست یا پیروزی، فقر یا ثروت، و مانند اینها معنا می‌بخشد.

از آنجایی که معنایی برای حوادث زندگی همواره یکی از دغدغه‌های مهم بشر در طول تاریخ بوده است، بخشی از آیات قرآن درصدد معنادار کردن حوادث از خلال آموزش سنت‌های ثابت تاریخی است: وقوع برخی مصائب و گرفتاری‌های امت‌ها همراه دعوت انبیاء به هدف ایجاد روحیه تضرع و آمادگی برای پذیرش حق (انعام / ۴۲)، بازگشت عمل ناصالح فرد به خود او از خلال حوادث مشابه (فاطر / ۴۳)، پیوند عمل صالح والدین با برکات در زندگی فرزند از جمله حفظ منافع مادی (کهف / ۸۲)، رابطه استقامت در راه حق با امداد الهی و پیروزی (آل عمران / ۱۲۵) رابطه گناه با حوادث و بلایای طبیعی (روم / ۳۰) از جمله این موارد است. یکی از اهداف قرآن کریم از دعوت به سیر در تاریخ نیز دستیابی به این مهم بوده است. از منظر وحی تأمل در رفتار امت‌ها و کشف رابطه آن با رویدادهای اجتماعی گوش و چشم معنوی انسان را می‌گشاید.

۱. معرفه الله سبحانه اعلیٰ المعارف. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱ / ۸۱)؛ اول الدین معرفته. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ. (حج / ۴۶)

آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند. درحقیقت چشم‌ها کور نیست، لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است.

در مرتبه نهایی آدمیان از منظر توجه به تاریخ و قوانین حاکم بر آن می‌توانند، حیات خویش را نظاره کرده و تحقق آن پیامد - در موارد مشابه را - دست‌مایه عبرت قرار دهند. اگر تاریخ جوامع را مجموعه‌ای از حوادث متفرق بدون قاعده و قانون بدانیم، شفافیت لازم برای نظر و عبرت را نخواهد داشت، از این‌رو قرآن کریم از وجود اصول و قواعدی ثابت خبر داده و به عبرت‌گیری از آن دعوت می‌کند:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا. (محمد / ۱۰)

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد و برای کافران امثال این مجازات‌ها خواهد بود.

این امر به‌خودی‌خود این امکان را به انسان می‌دهد که از خلال تفکر در آن و مقایسه شرایط گذشته و فعلی به مدل مطلوب رفتار انسانی از منظر حق دست یابد.

ویژگی سنت‌های اجتماعی از منظر وحی

قرآن کریم از سه شاخصه مهم، یعنی: ثبات، استمرار و عمومیت در سنت‌های اجتماعی سخن می‌گوید. قوانین اجتماعی ثابت‌اند و هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در آنها راه ندارد. آیه ۴۳ فاطر به این مهم اشاره دارد: «... فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ پس آیا جز سنت (و سرنوشت شوم) پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت. تبدیل سنت خدا به این است که عذاب خدا را بردارند و جایش عافیت بگذارند و تحویل سنت عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن می‌باشند به‌سوی قومی دیگر برگردانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۸۳) بنابراین تعبیر عدم تبدیل ناظر به ثبات اصل قانون و عدم تحویل ناظر به تغییرپذیری جزئیات و مشمولین آن است.

از سوی دیگر قوانینی هستند که همواره در طول تاریخ جریان داشته و استمرار خواهند داشت. تعابیر «خلت» و «خلوا» در برخی آیات شریفه، ناظر به همین معنا است: «سُئِلَ اللَّهُ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ این سنت خداوند در اقوام پیشین است و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییر نخواهی یافت.» (احزاب / ۶۲)

در عین حال سنت‌های الهی عمومیت داشته و هیچ فرد یا گروهی از آن مستثنا نیستند: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ؛ (بقره / ۲۱۴) آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟» این مهم‌ترین ممیزه‌ای است که یک قانون علمی را از دیگر معادله‌ها و فرضیه‌ها جدا می‌کند. (صدر، ۱۳۶۹: ۱۱۰) این ویژگی ضمن اینکه در انسان مسلمان بینشی آگاهانه نسبت به مسیر حوادث تاریخی ایجاد می‌کند، راه هرگونه طمع و اندیشه از ناحیه فرد یا جامعه را مبنی بر اینکه از این قوانین مستثنا شوند بسته و نفی می‌کند

مفهوم‌شناسی و واکاوی سنت مداوله در قرآن کریم

«تداول القوم الشيء تداولاً»، یعنی چیزی یک‌بار در اختیار قومی باشد و بار دیگر در اختیار دیگری و ممکن است این گردش در مال باشد یا در پیروزی در جنگ. (فیومی، ۱۴۱۳: ماده دول)

گفته‌شده که ریشه دول دلالت دارد بر تغییر چیزی از مکانی به مکان دیگر و «دوله» اسم چیزی است که به‌وسیله آن گردش صورت می‌گیرد. (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۴۰)

در حقیقت ریشه این ماده به‌معنای انتقال همراه با دگرگونی در حال و کیفیت است. این اصل مصادیقی دارد از جمله: انتقال مال از موردی به مورد دیگر همراه با تغییری در جهت، که کمترین آن می‌تواند تغییر مالک آن مال باشد و یا انتقال لشکر از یک مکان به مکان دیگر که همراه با دگرگونی از جهت غالب یا مغلوب شدن است و یا تغییر لباس از حالت نو به حالت کهنه و دگرگونی گیاه از شادابی به خشکی. (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۶۲)

در واقع تداول دست‌به‌دست شدن است، اما از آنجایی که باب مفاعله دلالت بر استمرار دارد، مصدر مداوله دلالت بر تکرار این انتقال و تحول دارد. لطف کاربرد قرآنی این مفهوم این است که واژگان «دور»، «تحویل» و «تصریف» که به این معنا نزدیک است به کار برده نشده تا دلالت کند بر انتقال همراه با تحول و دگرگونی. (همو) «مداوله» در اصطلاح بدین معنا است که

امکانات دنیا در میان عده‌ای گردش نماید به طوری که یکی پس از دیگری بدان دست یابد. بر این اساس یکی از سنت‌های الهی است که به واسطه آن حق تعالی بهره‌های حیات را در میان آدمیان و گروه‌های مختلف دست‌به‌دست می‌کند، پیروزی و موفقیت و شکست و خسارت در میان اقوام و ملل گوناگون می‌چرخد آن گونه که هرگاهی نوبت به گروهی می‌رسد.

مهم‌ترین آیاتی که در کتاب آسمانی به این سنت الهی تصریح کرده آیات ۱۴۱ - ۱۴۰ سوره آل عمران است:

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ.

اگر بر شما زخمی رسید، به آن قوم نیز هم چنان زخمی رسیده است و این روزگار است که هر دم آن را به مراد کسی می‌گردانیم، تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند بشناسد و از شما گواهان گیرد و خدا ستمکاران را دوست ندارد و تا مؤمنان را پاکیزه گرداند و کافران را نابود سازد.

این آیات پس از شکست مسلمانان در جنگ احد در سال سوم هجرت نازل شد. پیامد ناگوار خیانت عده‌ای از مسلمانان که در عدم اطاعت از فرمان رسول خدا ﷺ مبنی بر پاسداری از تنگه احد اتفاق افتاد، سبب تشدید زمینه‌های سستی و بروز آثار حزن و اندوه در مسلمانان شد؛ زیرا دیدند که تعداد زیادی از آنان کشته و مجروح شدند و کفار بر آنان پیروز گشتند. از آنجایی که کفار در آستانه یک شکست قطعی، به پیروزی دست یافتند، شدیدترین صدمات را به مؤمنین وارد کردند. در این جنگ هفتاد نفر از سران و شجاعان مسلمین کشته شدند و به همین تعداد مجروح گردیدند و از آنجایی که همه این مصیبت‌ها در داخل سرزمینشان به ایشان وارد شد، همین باعث وهن و حزن بیشتر آنان گردید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۳۹)

خدای سبحان برای دلداری و تسکین خاطر مسلمانان آنان را مورد خطاب قرار داد و از حقایقی سخن گفت تا روحیه آسیب‌دیده مسلمانان را جبران و آنان را برای دفاع مجدد از کیان اسلام آماده نماید؛ زیرا دو خطر مهم یکی فکری و دیگری القائات شیطنی دشمنان، حضور مسلمانان در صحنه جهاد را تهدید می‌کرد.

خطر اول به اصل اعتقادات دینی و پیروی از وحی آسیب می‌زد؛ زیرا قرآن کریم حق را پیروز

و باطل را شکست خورده و نابود شده معرفی می‌کند (مجادله / ۲۱؛ صافات / ۱۷۱؛ اسراء / ۸۱) و مسلمانان بعد از احد گفتند اگر اهل اسلام برحق‌اند، چرا شکست خوردیم؟! خطر دوم القائنات شیطانی بود که چرا از مدینه خارج شدیم و چرا پیامبر پیشنهاد اقلیت را مبنی بر ماندن در شهر نپذیرفت؟ القائنات که اگر به ثمر می‌رسید حضور مسلمانان را در جهاد کمرنگ می‌کرد. آیه شریفه با ترسیم وضعیت بحرانی جبهه دشمن و سرانجام شکست و نابودی آنان، دردهای روحی مؤمنان مجاهد را که از جراحات‌های میدان نبرد و به شهادت رسیدن دیگر مجاهدان ریشه می‌گرفت، التیام می‌بخشد و می‌فرماید: اگر به شما آسیب‌رسیده است، آنان نیز مانند شما آسیب‌دیده‌اند^۱ و اینکه کشته و زخمی شدن یا به اسارت درآمدن امری است مشترک میان مسلمانان و کافران برخلاف پیروزی نهایی که تنها از آن حق است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۶۱۴ - ۶۰۷)

در همین فرازها از سوره، ضمن اینکه روحیه ایمانی را سبب علو مرتبه مؤمن دانسته و هرگونه سستی را نفی می‌کند، از یکی از مهم‌ترین سنت‌های تاریخی پرده برداشته و تبیین می‌نماید که همانا خدا، روزگار را بین مسلمانان و کفار بگردش می‌آورد، گاه بکاستن رنج از مسلمین و گاه به افزودن رنج بر ایشان. تا چنین نپندارند پیروز شدن، یک حق خدایی برای آنان است، خیر، پیروزی حق طبیعی برای مسلمانان است تا آن اندازه و در صورتی که بتوانند شرایط لازم و کافی آن را بر اساس منطق سنت‌های تاریخ فراهم آورند و چون در غزوه احد چنین نکردند، شکست خوردند، حتی در آیات دیگری افقی دورتر را نشان می‌دهد و همین گروه انسانی؛ یعنی مسلمانان را که پاک‌ترین و بی‌آلایش‌ترین گروه‌ها در صحنه تاریخ بوده‌اند، تهدید می‌کند و این خطا را متوجه آنان می‌سازد که اگر وظیفه و رسالت خود را به انجام نرسانند، رسالت آسمانی تعطیل نخواهد شد، بلکه گروه دیگری جایگزین آنان خواهد شد که شرایط بهتر و برتری را برای ایفای نقش خود فراهم آورده باشند؛ یعنی آنانی که شرایط لازم برای ارائه چهره یک ملت شاهد و حاضر در صحنه را داشته باشند، بر سرکار خواهد آورد. (توبه / ۳۹؛ مائده / ۵۴)

۱. مس که در آیه شریفه ذکر شده است غیر از لمس است؛ زیرا لمس برخورد با ادراک است، چنانکه لامسه یکی از حواس پنجگانه است برخلاف مس که مطلق اصابه است. مقصود از یوم نیز مظلوف آن است برای اسراری ناگفتنی و نه روز یا شبانه روز یا برهه‌ای از زمان. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۶۰۸) لذا رخدادهای مهم که در آن حق پیروز و باطل شکست خورده است به نام ایام الله در قرآن مطرح است. (همان: ۶۲۹) مانند پیروزی موسی بر فرعون. (ابراهیم / ۵)

در واقع حق تعالی دولت و گردش روزگار را گاه به نفع مسلمین و گاهی به ضررشان قرار می‌دهد تا ایمانشان بر وجه صحیح و طبق منطق و حجت باشد. اگر دنیا همواره به کام مسلمین بود شاید بسیاری از مردم برای همین به اسلام می‌گراییدند و روشن نبود که چه کسی خالصانه اسلام آورده و چه کسی به هدف دستیابی به دنیا بدان روی آورده است.

علامه طبرسی بی‌رغبتی اهل ایمان به دنیا و تلاش جدی برای آخرت را نیز از آثار این گردش دانسته و می‌نویسد:

تا اینکه مسلمانان به دنیا و روزگار دل نبندند و در نتیجه رغبت و حرصشان نسبت به آن اندک باشد؛ زیرا همواره لذات دنیا رو به زوال است و زندگی آن آمیخته به شرنگ محنت‌ها است، و نیز برای اینکه برای جهان آخرت که خود ابدی و جاوید و نعمت‌هایش زوال‌ناپذیر است، بکوشند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۴ / ۲۶۹ - ۲۶۸)

از این جهت تداول اگر در ظاهر به زیان مؤمنان باشد در باطن تعلیم راه مجاهدت و مقدمه ظفر است و در مقابل برای کافران نیز گرچه در ظاهر به سود آنان است اما در باطن استدراج است و موفقیت نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۶۰۸)

در پایان آیه نیز عبارت «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» به همین نکته اشاره دارد که غلبه و پیروزی ظالمان بر مؤمنان به واسطه محبوب بودنشان نزد حق تعالی نیست، بلکه برای مصالحی است که تربیت مسلمانان را در پی خواهد داشت، چنانکه در آیات دیگری از همین سوره مبارکه نیز بر این امر تأکید دارد که بهره‌مندی اهل کفر از امکانات مادی و مظاهر دنیایی دلالت بر برتری واقعی آنان نیست: «گشت‌وگذار کافران در شهرها تو را نفریبند این بهره‌ناچیزی است و سپس جایگاهشان جهنم است که بد جایگاهی است.» (آل عمران / ۱۹۷ - ۱۹۶)

نکته‌ای که نباید فراموش کرد و قرآن بر آن تأکید دارد این است که گردش شکست و پیروزی میان افراد، پیروزمندی نهایی حق بر باطل را خدشه‌دار نخواهد کرد؛ زیرا رسالت الهی هرگز شکست نخواهد خورد، آنکه شکست می‌خورد و گرفتار خسران و هزیمت می‌شود، انسان است. شاید عده‌ای از مسلمانان در اثر سستی شکست بخورند، اما خدا رسالت خویش را توسط نسل دیگری به انجام می‌رساند. (صدر، ۱۳۶۹: ۷۹ - ۷۸) بنابراین در نهایت، این جریان حق است که پیروز تاریخ می‌گردد.

اهداف چهارگانه سنت مداوله از منظر وحی

آیات متعددی در قرآن کریم تأکید دارد که آمیختگی تلخی و شیرینی در زندگی دنیا از سنت‌های الهی است، از این رو دنیا گاهی به کام مؤمنان و زمانی موافق کافران و مناسب‌ترین ساحت برای آزمایش بندگان مخلص خدا و رشد و بالندگی آنها است.

آیه مداوله به چهار هدف مهم از جانب حق تعالی در این موضوع اشاره دارد، اما در بیان این اهداف، با استعمال واو عاطفه در ابتدای کلام «و ليعلم الله...» درصدد است تبیین نماید که حکمت الهی به این چهار مورد خلاصه نمی‌شود. تداول آثار و نتایج بسیاری دارد که عقول از درک تمام حکمت‌های آن عاجز است اما کتاب الهی تنها به چند مورد قابل فهم برای همگان، اشاره می‌کند.

گویا واو عاطفه، جمله مورد بحث را به جمله‌ای عطف می‌کند که آن جمله محذوف است و حذف آن برای اشاره به این است که عقل شما از احاطه به آن قاصر است و شما جز به برخی از جهات آن نمی‌توانید احاطه داشته باشید و آنچه فهم مؤمنین را سود می‌دهد همین جهاتی است که کتاب الهی بدان پرداخته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۴۲) در ذیل به تبیین این اهداف می‌پردازیم:

۱. جداسازی

یکی از اهداف سنت مداوله (گردش روزگار) جدا کردن مؤمنان واقعی از منافقان مدعی اسلام است. این مفهوم که در قالب سنت تمییز در برخی آیات دیگر^۱ نیز بدان اشاره شده، جداسازی نسبی در مقایسه با بیرون است، مانند جدا کردن طلا از فلزات دیگر. تمییز در جامعه اسلامی به مفهوم جدا کردن منافقان که در ظاهر جزو جامعه اسلامی هستند از اهل ایمان واقعی است. این جداسازی از نوع تصفیه افقی خواهد بود که در متن جامعه صورت می‌گیرد و اجزاء انسانی جامعه را با محوریت ایمان و نفاق از یکدیگر جدا می‌سازد. (آصفی، ۱۳۸۵: ۱۵۰) آیه ۱۷۹ آل عمران به‌صراحت از این جداسازی به‌عنوان یکی از اهداف الهی سخن به میان آورده است:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذِرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ.

چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذار مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد.

۱. از جمله این آیات ۱۳۷ سوره انفال و ۱۷۹ سوره آل عمران است.

مراد از «أَنْتُمْ» ظاهراً مسلمانان هستند که در میان آنان مؤمنان با منافقان و سست ایمان‌ها ممزوج گشته‌اند. مفهوم آیه شریفه آن است که: سنت و طریقه خدا آن نبوده (یا آن نیست) که مؤمنان را با منافقان و ضعیفان مختلط بگذارد و به اسلام قولی کفایت کند، بلکه باید فراز و نشیب‌ها بیاید و مردم با عمل آزمایش شوند تا همه به میزان عمل و لیاقت خود، پاداش و کیفر ببینند و پاک و ناپاک از هم شناخته گردد. (قرشی، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۳۹)

تعبیر «لِیَعْلَمَ اللَّهُ الذِّینَ آمَنُوا» در آیه مداوله نیز به همین هدف اشاره دارد که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد علم خویش را برای دیگران آشکار کند تا همگان ببینند که چه کسانی مؤمن واقعی هستند و چه کسانی از این دایره خارج‌اند.^۱

۲. پاک‌سازی (خالص‌سازی)

هدف دیگر از گردش روزگار مرحله دیگری از تصفیه است که در روح و روان مجاهدان راه خدا و رهروان طریق الهی صورت می‌گیرد، یعنی مربوط به داخل نفس انسانی است، مرحله‌ای که شخص را از نقاط ضعفش می‌پیراید تا او را خالص گرداند. این امر در آیه شریفه با تعبیر «تَمْحِیصٌ» آمده است. محص: خالص کردن چیزی با ابقاء و تثبیت آن چیز است. خالص کردن طلا از ناخالصی و پاک کردن چیزی از چرک و کثافت از مصادیق این معنا است (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۱۱ / ۳۸) بنابراین محص در لغت به معنای پاک‌سازی همراه با بقاء و تثبیت است و مراد از تمحیص انسان، تزکیه او از ردائیل و اندیشه‌های خطا و کارهای ناشایست و نیز تنزیه او از هراس و تثبیت و تقویت او برای دفاع از کیان اسلام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۶۳۸)

فراز و نشیب‌های زندگی - تحولات سیاسی و اجتماعی - تغییر حکومت‌ها و اوضاع اقتصادی و امثال آن هریک به نوعی زمینه‌ساز خالص شدن انسان مؤمن و بستر رشد تعالی و قرب بیشتر او به ساحت مقدس ربوبی است؛ زیرا خدا فقط انسان خالص و مخلص را به قرب خویش می‌پذیرد، از این رو کسی که خواهان تقرب است باید با امتحان خالص شود تا خدا او را بپذیرد. بنابراین درحالی که تمییز، جدا کردن منافقان از مؤمنان واقعی در سطح اجتماع است، تمحیص درباره

۱. تعبیر تا خدا بداند «لِیَعْلَمَ اللَّهُ» در قرآن اصطلاحی است بدین مفهوم که تا خدا علم خود را بر دیگران آشکار کند «لیظهر الله علمه» و آنچه تنها خود می‌دانسته مردمان نیز بدانند؛ زیرا علم الهی ازلی است و چنان نیست که چیزی را حق تعالی نمی‌دانسته و بر او آشکار شده است.

مؤمنانی است که هنوز خود را از برخی رذایل اخلاقی و صفات ناپسند کاملاً پاک نکرده‌اند و باید در دنیا با جهاد نفس و در بحبوحه امتحان‌های الهی درون خویش را شست‌وشو دهند. در این میان هر چیزی که از حس دورتر و از باور عمومی محبوب‌تر باشد امتحان تمحیصی در آن مهم‌تر و لازم‌تر خواهد بود به‌خصوص وقتی طولانی گردد. (همان: ۶۴۴)

ابعاد تصفیه‌سازی در جریان تاریخ

تصفیه‌سازی در جریان تاریخ و در لابه‌لای ابتلائات الهی، نقش مهمی در زندگی انسان دارد. بخش مهمی از اهدافی که قرآن کریم برای سنت مداوله بیان کرده است به اصل تصفیه‌سازی برمی‌گردد و نشان می‌دهد که خدا دو گونه تصفیه را از گردش روزگار در نظر داشته است؛ مرحله اول تصفیه افقی است که امت را از عناصر ضعیف می‌پیراید و مؤمنان واقعی از غیر آنان جدا می‌شوند (آصفی، ۱۳۸۵: ۱۵۰) عبارت «لِیَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» ناظر به همین تصفیه افقی در سطح امت اسلامی است و نشان می‌دهد علم فعلی خدا از راه علل و اسباب ظهور می‌کند، از این‌رو جریان آزمون به‌عنوان یک اصل ضروری مطرح است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۶۰۸) و سنت مداوله یکی از ابزارهای تحقق این آزمون است. (آل عمران / ۱۷۹؛ انفال / ۳۷)^۱

مرحله دوم تصفیه عمودی است که عبارت «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» بر آن دلالت دارد و ناظر به پاک‌سازی و نوعی خالص‌سازی درونی هریک از اهل ایمان است. مفهومی که ناظر به از بین بردن برخی عیب‌ها و قصورها در نفوس اهل ایمان در جریان ابتلائات روزگار است، آن‌گونه که زوایای مخفی درون آنان بر خودشان آشکار گشته و خود را از نقایص پالایش کنند و در نتیجه خالص‌تر و با بصیرتی بیشتر و تجربه‌هایی جدیدتر با فتنه‌ها روبه‌رو شوند. تصفیه عمودی رمز دستیابی به مقام اخلاص و زدودن پیرایه‌های شرک از درون است. بر این اساس تصفیه‌سازی افقی امت اسلام را از عناصر ضعیف پیراسته می‌سازد و تصفیه‌سازی عمودی فرد مؤمن را از نقاط ضعفش می‌پیراید، امری که جز از طریق گردش روزگار؛ یعنی قرار گرفتن افراد و گروه‌ها در موقعیت‌های متفاوت امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل است که پیامبر ﷺ عدم توجه به سنت مداوله را وجه مهم غفلت در زندگی می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «أَغْفَلَ النَّاسَ مَنْ لَمْ يَتَّعْظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالِهَا إِلَى حَالِهَا؛ غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگونی روزگار پند نگیرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷ / ۱۱۲)

۱. این مرحله از تصفیه در آیاتی از قرآن مستقلاً با عنوان سنت تمییز ذکر گردیده است.

۳. الگوسازی

تربیت قرآنی تربیتی اسوه‌مدار است که اساس آن بر محور الگودهی و ارائه نمونه‌های عینی و عملی؛ بنا شده است. تأثیرپذیری انسان از الگو موجب می‌شود تا فرد تمام توان خود را به کار گیرد تا همانندسازی نماید و این به‌نوبه خود منجر به توانمندی و هدفمندی فرد در طی مسیر زندگی خواهد شد. از آنجایی که تربیت الگویی می‌تواند به شیوه‌های مختلف الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی انجام گیرد، آیات کریمه الهی به همه این شیوه در تربیت انسان نظر داشته است.

الگوزدایی شیوه ترسیم الگوها و شخصیت‌های منفی به نحوی است که نوعی دل‌زدگی و نگرش منفی در افراد نسبت به آنان پدید آید. با آگاهی از الگوهای نامناسب و ویژگی‌های نامطلوب آنان، می‌توان به حقانیت و درستی الگوهای مطلوب پی برد. بصیرت و آگاهی‌ای که زمینه را برای تبعیت و پیروی از الگوهای مطلوب فراهم می‌سازد. آیاتی که همسران لوط و نوح را در جایگاه خیانت به نبی خدا نشان می‌دهد (تحریم / ۱۰) با هدف همین الگوزدایی است.

این در حالی است که شأن برخی آیات الهی الگوپردازی است؛ یعنی با در نظر گرفتن الگوهای مطلوب، به بیان و توصیف ویژگی آنها پرداخته و زمینه را طوری فراهم می‌کند که ذهن مرتبی را به تجسم یک الگو یا صحنه و واقعه‌ای سوق دهد. توصیف عباد الرحمن، اولوالباب، مؤمنون، خاشعین (فرقان / ۶۷ - ۶۳؛ رعد / ۱۹؛ مومنون / ۱۰ - ۱؛ بقره / ۴۶ - ۴۵) و مانند اینها در قرآن کریم نظر به این نوع الگوپردازی‌ها دارد.

هدف در الگودهی معرفی افرادی است که جنبه الگویی دارند.^۱ اراده الهی بر این قرار گرفته که این معرفی در فرایند حوادث تاریخ و به شکل عملی اتفاق افتد؛ یعنی آنان که رفتار و صفات مطلوب را در کردار خود عملی ساخته و خالص گشته‌اند، در جریان ابتلائات الهی برجسته و درخشان گردیده و در برابر چشمان تاریخ قرار گیرند. آیه شریفه سوره آل عمران به این حقیقت به‌عنوان یکی از اهداف مهم مداوله اشاره دارد و از آن با تعبیر «لیتخذ منکم الشهداء» یعنی گواه گرفتن، یاد کرده است.

در واقع خدای تبارک و تعالی هدفش از گردش روزگار افزون بر جدا کردن مؤمنان واقعی از غیر و

۱. امیرالمؤمنان علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به همین وجه از تربیت الگویی نظر دارد، آنجا که می‌فرماید: «و اقتصدوا بهدی نبیکم فانه افضل الهدی و استتوا بسنته فانها الهدی السنن؛ به هدایت پیامبرتان اقتدا کنید، چراکه آن بهترین هدایت است و از سنت و روش او پیروی کنید که آن هدایت‌کننده‌ترین سنت است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱)

پاک‌سازی درونی مؤمنان، اسوه‌سازی از میان آنان نیز هست؛ کسانی که به عنایت الهی برای مقام شهادت و گواهی دادن از میان مجاهدان در راه حق انتخاب می‌شوند تا بر حق بودن مسیری که طی کرده‌اند با رفتار و عمل خود گواهی دهند. در این راستا امتحان‌های الهی باید به گونه‌ای شکل بگیرد که متضمن شرایط دشوار باشد، آن‌چنان که عمق خلوص و پایداری انسان‌های مؤمن در جایگاه حجت و اسوه، به دیگران نشان داده شود.

گرچه برخی مفسران در مفهوم آیه به احتمال‌های دیگری نیز اشاره دارند^۱ اما قرآینی از خود آیه مؤید این کلام است، از جمله: ذکر «من» تبعیضیه که نشان می‌دهد قرآن شهدا را بعضی از افراد دانسته نه همه آنان؛ یعنی گواهان در دایره کوچک‌تری از دایره مسلمانانی هستند که مشمول مدوله‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۴۳) ثانیاً تعبیر «اتخاذ» ناظر به یک انتخاب و گزینش الهی است که حاصل پیروزی در امتحان‌های طاقت‌فرسا است؛ به عبارت دیگر این تعبیر نظیر آن است که گفته شود. «خدا ابراهیم را خلیل گرفت» یا «خدا موسی را کلیم گرفت» یا «خدا پیامبر اسلام را گواهی گرفت تا در قیامت بر امت خود گواهی دهد». اینجا نیز مقصود همان است که خدا از مجاهدان در راه حق برای اثبات حق گواه گرفت تا الگویی عملی از مراتب عالی ایمان و استقامت و ایثار به همگان نشان دهد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۶ / ۲۸۶)

نقش سختی‌ها در فرایند الگوسازی

یکی از اسباب تربیت و رشد انسان، مواجهه با سختی‌ها و حرکت در مسیرهای طولانی و دشوار است. آنچه نفس انسانی طالب آن است دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و آسان است، اما رشد و تعالی انسان و نمایان شدن واقعیت وجودی آدمی در لابه‌لای سختی‌ها محقق خواهد شد. آیات ۷ و ۸ سوره انفال از این حقیقت با ذکر یک مصداق تاریخی پرده برمی‌دارد، آنگاه که در جنگ بدر

۱. برخی مفسران احتمال داده‌اند که شهداء جمع شهید و به معنای کسانی است که در میدان جنگ کشته شده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۲۰) و برخی به مفهوم گواهی بر اینکه چگونه نافرمانی‌ها به شکست‌های دردناک می‌انجامد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۰۹) و برخی هم به مفهوم گواهی دادن بر گناهان مردم به سبب جلال قدر این گروه مؤمنان اشاره کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۴ / ۲۶۹) و برخی هم گواهی دادن مجاهدان راه حق بر حق بودن مسیر را ذکر کرده‌اند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۸۷)

بر این اساس تعبیر شهدا از دو حال خارج نیست یا جمع شهید است که ناظر به کشتگان معرکه جنگ است یا جمع شاهد است که به مفهوم گواهی دادن است. البته قرآینی از قرآن نشان می‌دهد که در آیه شریفه مفهوم گواهی دادن که خود حاکی از شأن‌الایی است، ترجیح دارد.

خدای متعال وعده پیروزی مسلمانان بر یکی از دو گروه کاروان تجاری یا لشکر قریش را داد؛ مسلمانان به دست آوردن آسان غنائم را بر جنگ سخت با قریش ترجیح می‌دادند اما حق تعالی رهبری و سربلندی آنان روی زمین را اراده کرده بود: «وَبُرِيدُ اللَّهِ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ» و البته این امر جز از طریق پیکار سخت با دشمن قریش حاصل نمی‌شد.

آیات دیگری از قرآن کریم نیز به اهمیت این ابتلائات بزرگ اشاره دارد تا نشان دهد که در مسیر تصفیه مؤمنان و معرفی الگوها، قرار گرفتن در موقعیت‌های دشوار ضرورت دارد، چنانکه خدای تبارک و تعالی در آیه ۲۱۴ سوره بقره به این مهم تأکید دارد:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبِينَ وَالضَّرَّاءُ
وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ.

آیا پنداشتید که به بهشت می‌روید و حال آنکه داستان آنان که پیش از شما بگذشتند به شما نرسیده است؟ بدیشان سختی و رنج رسید و چنان پریشان و لرزان شدند که پیامبر و مؤمنانی که با او بودند، گفتند: یاری خدا کی خواهد رسید؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است.

آیه بیانگر آن است که نصرت الهی و پیروزی و راه یافتن به بهشت برای هر امت مؤمنی حاصل نمی‌شود بلکه تنها برای کسانی حاصل می‌شود که در راه حق استقامت و سختی‌های تکان‌دهنده را که به تعبیر قرآن در حد زلزله و تشنج شدید است، تحمل کنند تا میزان مقاومت و ثبات و پایداری آنان به محک تجربه درآید.

از این جهت آیات فوق اشاره به شدت و عمق فشار این سختی‌ها بر جان مؤمنان دارد. این فشار به اندازه‌ای زیاد بود که پیامبر و کسانی که با او بودند، گفتند: پس خدا ما را کی یاری خواهد کرد؟ شرایطی که دیدگان خیره می‌شود و جان‌ها بر لب می‌آید، حتی برخی مؤمنان به خدا گمان‌ها می‌برند؛ در چنین شرایطی غالباً تعداد کسانی که ناامید و خسته می‌شوند و ریزش می‌کنند و دیگر ادامه نمی‌دهند بیشتر از کسانی است که راه را ادامه می‌دهند و به انتها می‌رسند. بنابراین هیچ‌کس تا هنگامی که در مقابل سختی‌ها قرار نگیرد، نمی‌تواند عمق ایمان یا نقاط ضعف خود را دریابد و اگر هوشیار نباشد نمی‌تواند در این گونه سختی‌ها و در برابر طوفان مشکلات ثابت و پابرجا بماند. بیشتر کسانی که در مشکلات شکست می‌خورند، کسانی هستند که درک درستی نسبت به این حقیقت ندارند. نزدیک بودن یاری خدا اشاره به این دارد که یاری الهی بخشیدنی نیست بلکه راه

مخصوصی دارد که باید آن را کشف کرد و به کار گرفت. گاهی ممکن است دارو نزدیک بیمار باشد اما اگر بیمار از آن معادله علمی که ثابت کند این دارو میکروب بیماری‌اش را از بین می‌برد مطلع نباشد نخواهد توانست این دارو را هرچند نزدیکش هم باشد، مصرف کند. (صدر، ۱۳۶۹: ۱۰۰)

چنین است که به‌زودی یاری و پیروزی نصیبشان خواهد شد اما این امر شرایطی مانند صبر، پایداری، ثبات قدم و غیره دارد و دقیقاً همین‌جا است که اسوه‌ها و حجت‌های الهی می‌درخشند که مصداق اتم و اکمل آن انبیاء و اولیای الهی و پس از آنان اهل تقوا و ایمان واقعی است.

۴. نابودسازی

یکی دیگر از اهداف مداوله این است که در پی همین شکست‌ها و پیروزها در جریان تقابل حق و باطل، به تدریج جبهه ایمان در اثر ریزش ناخالصی‌هایش قوی‌تر شده و اسوه‌های ثبات و مقاومت آشکار می‌گردند، متقابلاً جبهه کفر با ظاهر شدن تدریجی خباثت‌های باطنی‌اش ضعیف‌تر شده و بستر نابودی‌اش فراهم می‌آید. بنابراین نابودسازی یا به مفهوم تام از بین بردن وجود آنان است یا به مفهوم برطرف کردن شکوه و نفوذ آنان و از آنجایی که از بین رفتن کافران به‌طور مطلق به‌گونه‌ای که کافری در دنیا پیدا نشود در برنامه‌های اسلامی جز در عصر ظهور حضرت حجت^{علیه السلام} مطرح نشده است، بنابراین مقصود از نابودی کافران در فرایند گردش روزگار، از دست رفتن شکوه ظاهری آنان و نابود شدن تدریجی کفر است، چنانکه واژه «محق» نیز ناظر به هلاکت تدریجی است.^۱

امری که در لابه‌لای فراز و نشیب روزگار و تحمل سختی‌ها و مشکلات آشکار گشته و محقق خواهد شد. قرآن کریم در آیه دیگری به زیبایی به این قانون حتمی اشاره داشته و وجه اشتراک و تفاوت جبهه ایمان و کفر را در طی مسیر مداوله روشن می‌کند، آنجا که می‌فرماید:

ولاتهنوا في ابتغاء القوم إن تكونوا تألمون فإنهم يألمون كما تألمون وترجون من الله ما لا يرجون. (نساء / ۱۰۴)

در تعقیب دشمن سستی نکنید اگر شما از زخم‌های جنگ درد می‌کشید بی‌گمان آنها نیز مثل شما درد می‌کشند با این تفاوت که شما امید به خدا دارید که آنها ندارند.

۱. اصل ماده «محق» به مفهوم کم شدن تدریجی یا دفعی است که به محو شدن و نابودی منتهی شود. (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۱۱ / ماده محق)

وجه اشتراک آن است که هر دو جبهه در مسیر زندگی و دستیابی به هدف بر اساس سنت مداوله سختی خواهند کشید و به عبارت ساده‌تر توپ دنیا میان جبهه ایمان و کفر در حال چرخش است، اما وجه تفاوت در این است که اهل ایمان باور به وعده الهی در به ضعف کشیده شدن و نابودی تدریجی کفر دارند، اما جبهه کفر فاقد چنین باور و امیدی است.

نتیجه

قانون مداوله (گردش روزگار) به مفهوم جابجایی امکانات و گردش بهره‌مندی دنیا میان آدمیان از مهم‌ترین سنت‌های تاریخی است که قرآن کریم به‌صراحت از تحقق آن سخن رانده و مخاطبان خود را به اهداف حکیمانه الهی آن در مسیر تربیت انسان توجه می‌دهد. هدف از تحقق این قانون تکوینی، چنانکه آیات سوره آل عمران بدان اشاره دارد در مرتبه اول جدا شدن اهل ایمان واقعی از منافقان در سطح جامعه اسلامی و در مرتبه دوم پاک‌سازی و خالص گشتن مؤمنان در درون خود و فاصله گرفتن آنان از ناخالصی‌ها است. جداسازی منجر به تصفیه افقی در سطح اجتماع می‌گردد، درحالی که خالص‌سازی (پاک‌سازی) در سطح فرد و درون نفسی بوده؛ یعنی تصفیه عمودی را رقم خواهد زد.

در مرحله دیگر الگوسازی به جهت نمایان گشتن اوج ایمان برگزیدگان در صحنه عمل، در کنار نابودی تدریجی جریان کفر دو هدف دیگر سنت مداوله است که قرآن کریم به جهت بیدارسازی انسان‌ها و کمک به انتخاب‌های صحیح در مسیر رشد و تعالی، از آن سخن می‌گوید. بدون شک تحقق این اهداف چهارگانه جز از طریق فراز و نشیب‌های زندگی و قرار گرفتن افراد در موقعیت‌های مختلف امکان‌پذیر نخواهد بود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ابن فارس، احمد، ۱۳۸۷، معجم مقاییس اللغه، قم، مرکز دراسات الحوزه و الجامعه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- آصفی، محمد مهدی، ۱۳۸۵، فلسفه تاریخ، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- تیمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- دیالمه، نیکو، ۱۳۹۰، «مفهوم شناسی سنت توفیق و اسباب تحقق آن از منظر وحی»، کتاب قیم، شماره ۴، ص ۱۱۵ - ۹۳، یزد، دانشگاه یزد.
- زمخشری، جار الله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الکتب عربی.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۳۶۹، *سنت های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ترجمه حسین منوچهری، تهران، رجاء.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تحقیق رضا ستوده، تهران، فراهانی.
- عبدالکریم زیدان، ۱۳۷۲، *سنن الالهیه فی الامم و الجماعات و الافراد فی الشریعه الاسلامیه*، تهران، دار احسان.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی*، مصر.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- مجدی، محمد عاشور، ۱۴۲۷ ق، *السنن الالهیه فی الامم و الافراد فی القرآن الکریم*، قاهره، دار السلام.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت، موسسه الوفاء.
- محمدی گیلانی، محمد، ۱۳۷۵، *قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر*، تهران، سایه.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۹، *جامعه و تاریخ*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۱۶ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.